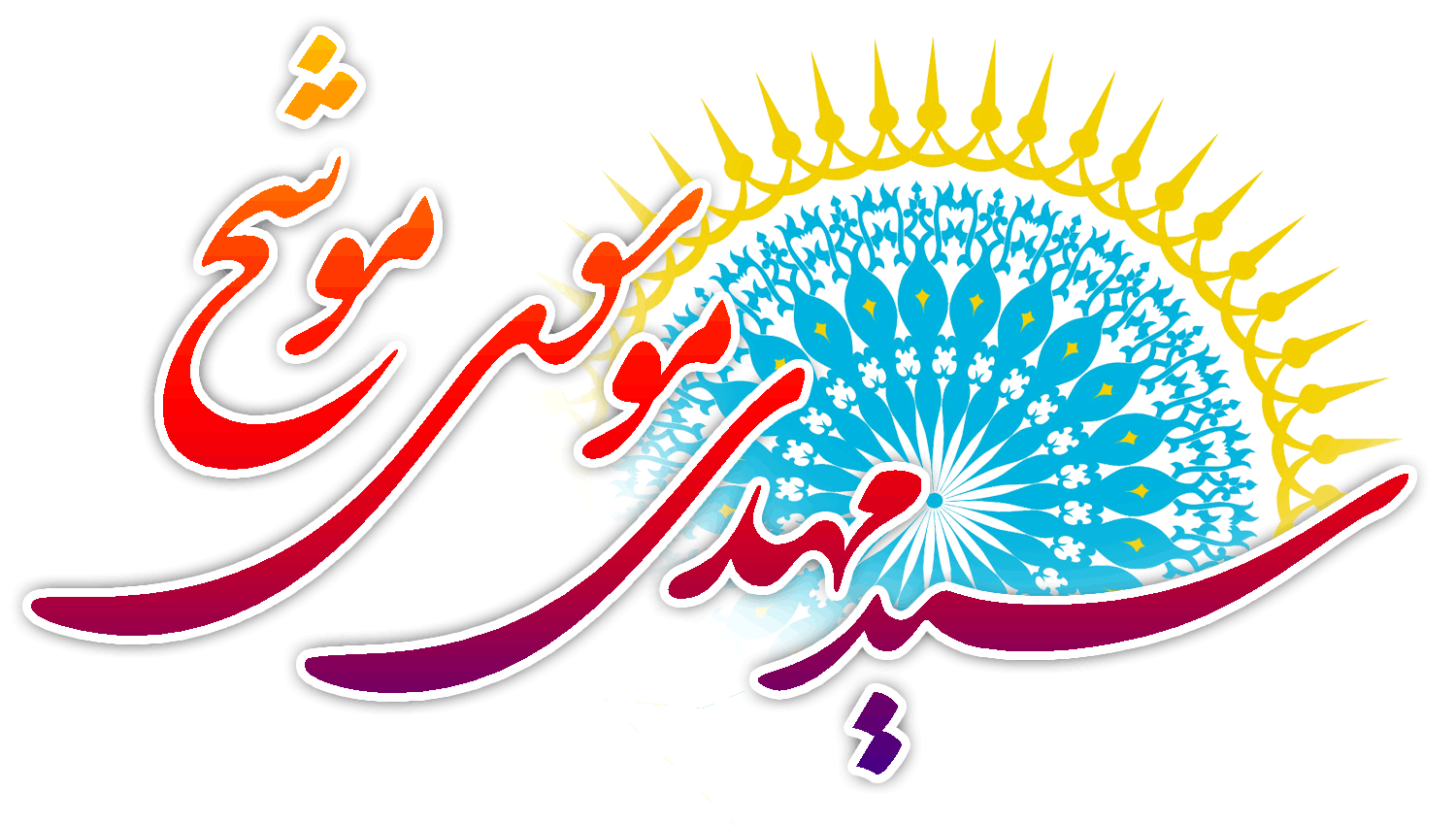


چشم‌انداز مؤسّسه

**گام اول در طراحي مؤسّسه تبليغ منطقه‌اي - پيش‌نويس**



22 بهمن 1400



مندرجات

* **مقدمه / 3**
* **اصطلاحات و تعاريف / 4**
* **طرح‌ريزي وضع مطلوب / 5**
* **چشم‏انداز / 8**

مقدمه

چشم‌اندازها, مستقل از دامنه و گستره‌اي كه در ابعاد مختلف زندگي اقتصادي، اجتماعي، فرهنگي و سياسي هر نظامي در بر مي‌گيرند، همواره افق‌هاي نوين و متفاوتي بسيار فراتر از ديدگاه‌هاي كوتاه‌مدت، ميان‌مدت و حتي بلندمدت متعارف، پيش روي برنامه‌ريزان مي‌گشايند و تهديدها و فرصت‌هايي حتي فراتر از يك نسل را براي گريز از انتخاب‌هاي نادرست و تمركز همه جانبه امكانات، استعدادها و اقتدار يك ملت، در جهت تحقق خواسته‌هاي خود امكانپذير مي‌سازند.

از اين رو، هر نهادي چه سياسي باشد، چه اقتصادي و چه فرهنگي، اگر بخواهد به سوي آرمان‌هاي خود حركت كند و در مسير دستيابي به اهداف ايده‌آل خود گام بردارد، براي گريز از حاكم شدن رفتارها و برنامه‌ريزي‌هاي سليقه‌اي و در افتادن سازمان به برداشت‌هاي ذوقي از اهداف متعالي آن، ناگزير از ترسيم چشم‏انداز براي نهاد خود مي‏باشد. خواه اين نهاد يك ملّت باشد، خواه يك بنگاه اقتصادي و حتي يك مجموعه و مؤسسه فرهنگي. در هر صورت نبود يك دورنگاه به آرمان‌ها و نظري عميق به قله‌هاي هدف، مي‌تواند حركت مجموعه را به مسيري نادرست سوق دهد كه خواسته هيچ‌يك از مديران و رهبران آن مجموعه نبوده است.

چشم‏انداز البته به تنهايي كافي نيست. حاكم كردن چشم‏انداز بر هدف‌هاي بلندمدت، ميان‌مدت و حتي كوتاه‏مدت، نيازمند طي كردن گام‌هايي است كه انطباق آن بر تمامي فعاليت‌ها و عملكردهاي سازمان را حداكثري نمايد. گام‌هايي كه بايستي بر روشي متقن و استوار مبتني باشد، تا رهبران سازمان و مديران آن نهاد را نسبت به تحقق آرمان‌هاي مذكور در چشم‏انداز مطمئن سازد.

روش‌هاي متعدّدي براي اين منظور از بطن نظام‌هاي فكري مختلف برخاسته و تدوين يافته و هر نهاد و سازماني بخشي از اين روش‌ها و گزينشي از اين راهكارهاي تحقق را متناسب با آرمان‌هاي خود برمي‌گزيند و به كار مي‌بندد.

سند حاضر تركيب و تلخيصي از روش‌هايي كه در طراحي چشم‌انداز نظام جمهوري اسلامي و بعضي نهادهاي تابعه به كار گرفته شده را به عنوان راهكار خود برگزيده و تبيين نموده است. اين سند پس از تبيين روش گزينش‌شده خود، به بحث و بررسي خصوصيات جامعه آرماني نهاد هدف پرداخته و پس از طي گام‌هاي تبيين‌شده، بيانيه چشم‌انداز را توليد و ارائه نموده است.

اين سند راهبري در دو بخش اصلي نظم يافته؛ نخست اصطلاحات و تعاريف پايه تبيين شده و در ضمن اين تعاريف، روند دستيابي به نتيجه در هر گام بيان گشته است. در مرحله بعد، تطبيق اين روند بر آرمان‌هاي نهاد مزبور موضوع بحث قرار گرفته و پس از تحليل مواد خام، محصول نهايي در هر مرحله طراحي و تدوين شده است. اين محصولات نهايي به صورت مستقل، هر كدام سندي را شكل خواهد داد كه مرحله‌اي از دستيابي به تحقق اهداف موضوع چشم‏انداز به شمار خواهد رفت. اَسناد نهايي، متشكل از گزاره‌هايي خواهند بود كه مي‌توانند اعتماد رهبران مجموعه را نسبت به صحيح بودن فعاليت‌هايي از مؤسسه كه بر اين اساس، استوار بوده جلب نمايند و اطمينان مورد نظر را حاصل كنند.

اصطلاحات و تعاريف

پيش از هر سخني، به دليل تخصّصي بودن مفاهيم موضوعه، بايستي غرض تدوين‌گران اين سند از اصطلاحات روشن گردد، تا در مراحل بعدي و در متن اَسناد، جايگاه هر اصطلاح و خاستگاه هر گزاره مشخص و مبيّن باشد. البته در ضمن هر اصطلاح، تلاش شده علاوه بر تعريف، مختصراً نسبت آن با اَسناد بالادستي ذكر شده و راهكارهاي دستيابي به آن نيز تبيين گردد.

## چشم‏انداز

هر نهادي براي دستيابي به آرمان‌هاي خود بايستي «راهنماي عمل» داشته باشد, اين راهنماي عمل به زبان برنامه, سند چشم‌انداز بلندمدت كشور است. چشم‌انداز ما را به ساحتي مطلوب با توجه به امكانات، فرصت‌ها و محدوديت‌ها رهنمون مي‌سازد.

چشم‌انداز، عبارت است از ارائه گزاره‌هايي خردمندانه درباره آينده و تفسير اين گزاره‌ها به گونه‌اي كه به عمل آگاهانه و به فرآيندهاي يادگيري جمعي و پاسخ‌گويي به چالش‌هاي آينده كمك نمايد. در ارائه اين گزاره‌ها، چشم‌انداز، بر آميزه‌اي از ارزش‌داوري‌هاي مبتني بر ايدئولوژي نظام و واقعيت‌هاي اجتماعي، فرهنگي و اقتصادي جامعه تكيه دارد.

چشم‌اندازها به همان ميزان كه از لحاظ دامنه زماني، از حال حاضر فاصله مي‌گيرند و به سوي آينده بسط مي‌يابند، براي دفاع از خود، از مباني نظري و تئوري‌هاي متعارف و شناخته شده نيز فاصله مي‌گيرند و بيشتر بر پايه تركيبي از «اصول و ارزش‌ها» يا «باورها و اميدهاي» طراحان و تصميم‌گيران ذي‌ربط استوار مي‌گردند.

چشم‌انداز نوعي پيش‌بيني است و با آينده سر و كار دارد، ولي فراتر از يك پيش‌بيني ساده، دربرگيرنده شبكه‌سازي‌ها و آماده‌سازي‌هاي مربوط به تصميم‌گيري درباره آينده است. پيش‌بيني، تنها برآوردي از آينده است و خطي بودن سير امور در پيش‌بيني‌ها، يك فرض پذيرفته شده مي‌باشد، در حالي كه سير امور لزوماً خطي نيست و داراي حلقه‌هاي بازخوردي بي‌شماري است. زيرا پيش‌بيني، پس از تجزيه و تحليل گزينه‌هاي زيادي از آينده و تعريف و انتخاب آينده‌هاي ممكن، پايان مي‌پذيرد و نتايج حاصل از پيش‌بيني، متضمن پيامي براي زمان حال نيست. امّا چشم‏انداز به منظور دستيابي به گزاره‌هاي قابل تبديل به سياست‌هاي عملياتي در زمان حال تدوين مي‏شود، تا بتواند راه‌حلي براي رسيدن به آينده مطلوب به شمار رود.

اگر چه تحقق هر چشم‌اندازي از وضع موجود و حال آغاز مي‌شود، ولي تدوين چشم‌اندازها همواره با ‌اين پيش‌فرض آغاز مي‌گردد كه تحولات ساختاري و شكل‌گيري شرايطي كاملاً متفاوت از وضع موجود، در دوره زماني يك چشم‌انداز، امكان‌پذير و به اندازه كافي اميد بخش و برانگيزاننده است. بنابراين در واقعيت‌هاي جامعه هدف متوقف نشده و بي‌باكانه به سوي آرمان‌هاي خوش‌بينانه نهاد مورد نظر بال مي‌گشايد.

چشم‌انداز چون آميزه‌اي از ارزش‌داوري‌‌هاي مبتني بر ايدئولوژي و واقعيت‌هاي اجتماعي، فرهنگي، اقتصادي و زيست‌محيطي جامعه است، با توجه به اين‌كه ايدئولوژي‌ها و نگرش‌هاي مختلف و متفاوت، آينده‌هاي متفاوتي ترسيم مي‌كنند، نخستين گام در پويش برنامه‌ريزي بلندمدت و آينده‌نگري، پذيرش چشم‌انداز واحدي است كه تصوير سازگاري از آينده ممكن و مطلوب ترسيم نمايد. به عبارت ديگر، هدف نهايي چشم‌انداز، معطوف به تبيين گزينش‌هاي استراتژيك و جهت‌هاي اصلي تحولات ساختاري- نهادي و ارائه عرصه‌هاي انتخاب، براي تدوين برنامه‌هاي ميان‌مدت در مسير حركت به طرف جامعه آرماني است.

طرح‌ريزي وضع مطلوب

برنامه‏ريزي براي هر نهاد و سازماني، از كوچك‌ترين نهادها مانند يك شركت تجاري خُرد گرفته، تا بزرگ‌ترين نهادهاي اجتماعي مانند يك كشور يا ملّت و حتي عائله بشري در قالب سازمان ملل، لاجرم از الگوي وضعيت «موجود، مطلوب، انتقال» تبعيّت مي‏كند. مادامي‌كه وضعيت فعلي و حال نهاد بررسي و تحليل نشود و وضعيت مطلوب مورد انتظار و متوقّع از آن ترسيم نگردد، امكان برنامه‌ريزي براي «انتقال» ممكن نخواهد بود.

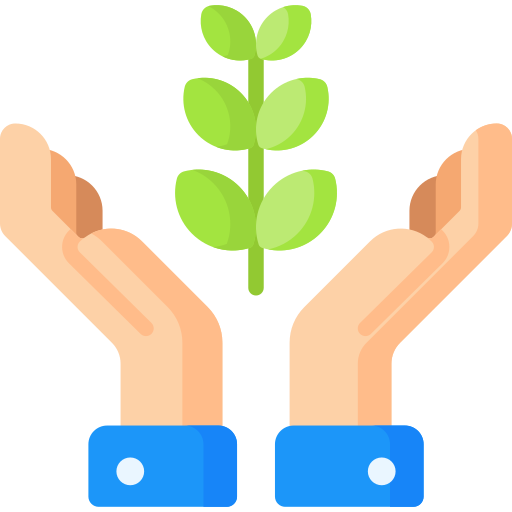
چشم‏انداز و نقشه تفصيلي آن، يعني اهداف آرماني، متكفّل ترسيم وضعيت مطلوب نهاد هدف مي‏باشند و براي دستيابي به توصيفات كلّي و كيفي آن وضعيت تدوين مي‏گردند.

از اين رو، در اين سند راهبري، اين دو سند را در قالب عنوان «طرح‌ريزي وضع مطلوب» مندرج كرده و به عنوان گام نخست مقدّم بر گام دوم كه «تحليل وضع موجود» است قرار مي‏دهيم. سبب اصلي تقدّم «ترسيم مطلوب» بر «تحليل موجود»، اصل بودن مقصد در حركت است. در حركت، بي‌ترديد، مقصد اصل است و حركت تنها وسيله‌اي براي دستيابي به مقصد مي‏باشد. حركت به خودي خود اصالت نداشته و تابع مقصد تعريف مي‏شود. با توجه به اين‏كه هدف از حركت، پيشرفت و تعالي است و مفروض بديهي بر اين استوار كه مقصد كامل‌تر از مبدأ است، براي تكامل، مبدأ نازل‌تر از مقصد تصور مي‏شود. بر اين اساس، ابتدا وضع مطلوب توصيف شده و سپس موجوديت نهاد هدف تحليل مي‏شود و برنامه حركت و انتقال توليد مي‏گردد.

در يك تجزيه و تحليل دقيق مي‌توان ترسيم وضعيت مطلوب را تلاشي سيستماتيك متكي بر «باورها» در مسير تحقق «اميدها» دانست. از اين رو، پيش از تدوين سند چشم‏انداز و تبيين اهداف آرماني، بايستي باورها كه حاكي از مطلوبيّت‌ها و اميدها كه حاكي از دست‌يافتني‌هاست تبيين شده و توصيف گردند.

## باورها

مؤسسه‌اي كه در صدد تأسيس آن هستيم، ماهيتي فرهنگي دارد، اما در بستري فعاليت خواهد كرد كه به شدّت تحت تأثير عوامل سياسي و ژئوپلتيك است. لذا با لحاظ تمام شرايطي كه از محيط مي‌شناسيم باورهاي خود را فهرست مي‌كنيم:

1. آغاز فعاليت تبليغي مؤسسه در منطقه كشور عراق است.
2. عراق واجد تمدني با سابقه فرهنگي طولاني‌مدّت و تاريخي است.
3. تمدن‌هاي قديمي سنّت‌هاي پايدار و منحصري دارند كه آن‏ها را از ساير تمدن‌ها متمايز مي‌سازد.
4. قوم عرب عصبيّتي تاريخي دارد كه پذيرش از عجم را سخت مي‌كند.
5. استعمار انگليس و سپس كودتاهاي پشت سر هم، همچنين چندين سال اشغالگري آمريكا، رشد علمي و فرهنگي در اين كشور را كند نموده است.
6. اسلام دين غالب در منطقه است و تعلّق و وابستگي مردم به اعتقادات اسلامي زياد است.
7. منبر به عنوان ابزاري سنّتي براي تبليغ همچنان جايگاهي ممتاز ميان مردم منطقه دارد.
8. نقش و جايگاه روحانيت ارزشمند است و مورد توجه آحاد مردم منطقه.
9. نسل جوان با ابزارهاي جديد مرتبط شده و تحت تأثير ماهواره و اينترنت قرار دارند.
10. مي‌دانيم استكبار جهاني نهادهايي در منطقه تأسيس كرده‌اند كه با هدف تهاجم فرهنگي به نسل جوان طراحي شده است، مانند: رهبران جوان عراقي؛ آيلپ (http://www.iylep.org).
11. طبيعي‌ست كه در بادئ امر با يك بي‌اعتمادي عميق در قشر هدف و مخاطب مواجه باشيم.
12. دشمن اصلي ملّت عراق تفكر سلفي و تكفيري‌ست كه يك نمونه آن داعش بود.
13. مهم‌ترين عامل وحدت‌بخش در شعب عراق تقريب بين مذاهب است.
14. تبليغ بايستي متناسب با قشر هدف باشد و ابزارهاي نوين جزو ملزومات زندگي مخاطبين است.
15. تبليغ به پژوهش و آموزش نياز دارد و مبلّغين بايستي به خوبي آموخته باشند.
16. اولويّت تبليغ در مباحث اعتقادي و تكيه اصلي بر مفاهيم قرآني است.
17. نبايد فعاليت مؤسسه به عراق محدود شود.
18. توسعه جغرافيايي فعاليت مؤسسه بايد گام به گام و مرحله به مرحله اتفاق افتد.
19. مؤسسه براي فعاليت خود نياز به كمك خيّرين و مراجع شيعه دارد.
20. در نهايت: باور داريم مهم‌ترين كار فرهنگي امروز در منطقه اين است كه نسل جوان را با اعتقادات و باورهاي اصيل اسلامي آشنا سازيم تا تحت تأثير باورسازي تكفيري استكبار قرار نگيرند.

## اميدها

مشكلات اجتماعي اندك نيست؛ هميشه موانعي پيدا مي‌شوند كه عبور از آن‌ها نياز به امداد الهي دارد. ما اما به واسطه باورهايمان، توانايي‌هايي در خود و محيط پيرامون خود سراغ داريم كه اميدوارمان مي‏سازد. اين اميدها:

1. امام حسين (ع) نقطه وحدت و اتحاد و يكپارچگي مردم منطقه است؛ ايران و عراق. اين دلبستگي تمامي تعصبات قومي را كنار مي‌زند.
2. اتحاد دو كشور در مبارزه با داعش و پيروزي‌هاي حاصله، اعتمادي متقابل پديد آورده است.
3. حوزه علميه نجف مقتدر و پابرجاست و مرجعيّت هنوز در عمق فرهنگ مردم عراق ريشه دارد.
4. مؤسسه متكي به مرجعيّت بوده و حجيّت خود را از آن مي‌گيرد.
5. عدم جهت‌گيري سياسي مؤسسه فرصت تبليغ را افزايش مي‌دهد.
6. فقدان آموزش عالي قدرتمند در منطقه هدف فرصت ارتباط‌گيري با جوانان را افزايش مي‌دهد.
7. همكاري دولت شيعي عراق با مؤسسه.
8. افزايش تأثير با استفاده از اينترنت، شبكه‌هاي اجتماعي، پيام‌رسان‌ها و شبكه‌هاي ماهواره‌اي در تبليغ.
9. استفاده از متخصصان و كارشناسان رسانه در عرصه تبليغ.
10. توليد محتواي علمي و تخصّصي براي ارائه در بسترهاي تبليغي و دوري از متون غيرمعتبر.
11. تمركز بر دو مقوله «كلام و اعتقادات» و «علوم قرآني و تفسير».
12. تكيه بر مباحث «حقوق بشر» با توجه به درجه اهميت آن در منطقه هدف
13. جذب طلبه‌هاي بومي مستعد و پرورش و آموزش آن‌ها
14. استفاده از امكانات آموزشي و پژوهشي داخل كشور ايران
15. شعار «تفكر جهاني، اقدام محلّي»
16. بهره‌گيري از مشاوره جامعه‌شناسان و روانشناسان
17. ساده‌سازي و تبديل مسائل كلان اعتقادي به صورتي كه براي همه مردم قابل فهم باشد.
18. رويكرد صلح‌جويانه و ضد تكفيري
19. تأسيس اتاق فكر تبليغ
20. در نهايت: اميد داريم مردم با اين جريان تبليغي احساس همسويي كرده و آن را تقويت و پشتيباني كنند.

چشم‏انداز

با اتکال به قدرت لايزال الهي و در پرتو ايمان به حتمي بودن غلبه فرهنگي جبهه اسلام بر كفر جهاني و کوشش برنامه‌ريزي شده و مدبّرانه جمعي، در مسير تحقق آرمان‌هاي متعالي اسلام و تمدن اسلامي؛ مؤسسه تبليغ منطقه‌اي در افق 1420 هجري شمسي نهادي است توانمند در ❶ تبليغ سبك زندگي و فرهنگ اجتماعي اسلام، ❷ تحليل و شناسايي مسائل و چالش‌هاي فرهنگي مستحدثه، ❸ توليد محتواي تبليغي مبتني بر فرهنگ اصيل اسلام و ❹ سازگار با نسل جديد مخاطبان، ❺ فعّال و حاضر در تمامي ابزارهاي رسانه‌اي روز دنيا، ❻ مورد اعتماد مرجعيّت و مردم منطقه و ❼ محل مراجعه سازمان‌ها و نهادهاي فرهنگي جهت مشاوره و همكاري، ❽ قادر به جذب بهترين اساتيد، متخصص‌ترين كارشناسان و مستعدترين طلاب جهت تربيت مبلّغ.

در بُعد تبليغ، مؤسسه تبليغ منطقه‌اي در افق اين چشم‏انداز چنين ويژگي‌هايي خواهد داشت:

1. واجد حجيّت شرعي با تبعيّت از مرجعيّت شيعه
2. واجد مقبوليت عرفي با سابقه خدمت صادقانه به مردم منطقه
3. پيشتاز در مقابله با تفكر سلفي و تكفيري
4. ممتاز در جذب نيروي انساني توانمند
5. تأثيرگذار در فرهنگ منطقه
6. نظريه‌پرداز در تبليغ نوين
7. متكي بر اتاق فكر تبليغ
8. مشهور به جهت حفظ شيوه‌هاي سنّتي تبليغ در كنار روش‌هاي نوين
9. بهترين توليدكننده متون تبليغي
10. فعّال در سه رشته «كلام و اعتقادات»، «علوم قرآني و تفسير» و «حقوق بشر»

فعاليت يك انجام شد. اكنون نوبت كارفرماست. طبق برنامه زمان‌بندي پروژه، هفت روز براي كارفرما فرصت پيش‌بيني شده است تا نظر خود را نسبت به متن فوق اعلام كند. دست كارفرما باز است تا هر بخش از متن را كه مايل باشد «حذف» يا «ويرايش» كند و هر چه كه در نظرش است «اضافه»، ضمن مشورت با كارشناسان مدّ نظر خود. آن‌چه در نهايت به دست پيمانكار برسد، مواد اوليه براي انجام فعاليت سه خواهد بود.

